

تغییر دین تدریجی آگوستین به مسیحیت^۱

مهدی حسن‌زاده^۲

استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

الهام موحدی

کارشناس ارشد رشته ادیان و عرفان تطبیقی از دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

برخلاف نظریاتی که در آنها تغییر دین آگوستین به مسیحیت دفعی و اتفاقی تلقی شده است، این تغییر، چهارچوب یک فرآیند را دارد. عوامل زمینه‌ای، مانند سیاست دینی وقت، خانواده، اقتصاد و نیز تجربیات شخصی خود آگوستین باعث می‌شد که قوی‌ترین مقصد برای تغییر دین او مسیحیت باشد؛ زیرا در اکثر آنها مسیحیت کانون توجه و عنایت بود. عواملی هم‌چون بحران، جستجو و فعالیت، برخورد با مبلغ، و تعامل با کسانی که یا تجربه مسیحی شدن داشتند و یا سرنوشت کسانی را با چنین تجربه‌ای برای او بازگو می‌کردند، گرایش وی را به مسیحیت بیشتر کرد و از نظر عقلانی او را در این‌باره مجاب ساخت. در نهایت، تجربه شنیدن صدای کودک منجر به تصمیم او به پذیرش نهایی مسیحیت شد. ادامه روند تغییر دین وی را می‌توان در آثار آن، یعنی آرامش باطنی پیدا شده برای آگوستین، و تأثیر خود او بر مسیحیت دنبال کرد.

کلید واژه‌ها

آگوستین، تغییر دین، مسیحیت، تجربه مسیحی، مبلغ.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۰/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۲/۱۵

۲. پست الکترونیک (نویسنده مسؤول): hasanzadeh@um.ac.ir

طرح مسأله

درباره اصطلاح تغییر دین^۱، تعریف‌ها و بحث‌های مختلفی وجود دارد.^۲ بنابر یکی از این تعاریف، تغییر دین عبارت از «بریدن از یک صورت قدیمی و گرایش به گروه‌های دینی، شیوه‌های زندگی، نظام‌های اعتقادی و شیوه‌های جدید ارتباط با الوهیت یا ذات حقیقت» است.^۳ بر اساس تعریفی دیگر، آن را می‌توان حرکت از دنیای طبیعی و مادی به طرف دنیای روحانی و معنوی دانست.^۴ در عین حال، اساس تغییر دین در اینجا اشاره به آن دارد که انسان درباره ارزش‌های غایی زندگی، مفهوم قانع کننده‌ای، آن هم فقط از طریق دین یا کیش جدید به دست آورد.

پیرامون تغییر دین و از جمله درباره انواع آن پرسش‌های بسیاری مطرح شده است.^۵ هرچند اثرات تغییر دین برای برخی افراد مهمتر از انواع آن است،^۶ اما به هر روی، در این زمینه اقسامی این چنین ذکر کرده‌اند: انواع اخلاقی، معنوی، عقلانی و عملی،^۷ نوع منفعل در برابر فعالانه،^۸ نوع اصیل در برابر غیر واقعی^۹ و نوع دفعی در برابر تدریجی^{۱۰}. در تقسیم‌بندی نوع آخر، برای این که تغییر دین دفعی باشد یا تدریجی، ویژگی‌های متفاوتی بیان شده است. برای نمونه، گفته شده که نوع دفعی مستلزم انقلاب اخلاقی، و نوع تدریجی وابسته به تکامل اخلاقی است.^{۱۱} ویلیام جیمز برای نوع دفعی آن سه ویژگی وجود

1. conversion

2. See: Rambo, Lewis R. and Charles E. Farhadian, "Conversion", *Encyclopedia of Religion*, Lindsay Jones(ed.), New York, 2005, vol. 3, p.1969

3. Rambo, Lewis R., *Understanding Religious Conversion*, New Haven, 1993, p.3; cf. idem, "Conversion", *The Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade(ed.), New York, 1987, vol. 4, p.73

4. Kriebel, Oscar S., *Conversion and Religious Experience*, Pennsburg, 1907, p.7.

5. Starbuck, Edwin D., *The Psychology of Religion*, London, 1901, pp.22- 27.

6. Jackson, George, *The Fact of Conversion*, New York, 1908, p.59; Guttery, Arthur T., *Christian Conversion*, London, 1920, p.277.

7. Romanes, George J., *Thoughts on Religion*, Chicago, 1896, p.98.

8. Pond, Enoch, *Conversion: Its Nature and Importance*, Boston, 1986, pp.6-8.

9. Armstrong, Herbert W., *Just What Do You Mean ... Conversion?*, USA, 1972, 1972, p.2.

10. Kriebel, Oscar S., p.7.

11. Idem, p.93.

احساسات هیجانی، غیر ارادی بودن، و انفعال انسان در برابر آن را بر می‌شمرد.^۱ وی همچنین معتقد است که تغییر دین دفعی شبیه یک معجزه است و معمولاً با شنیدن صدا، دیدن نور و یا مکاشفه روی می‌دهد.^۲ از آنجا که جمیز معیارهایی از جمله غیر ارادی بودن و انفعال انسان را در تغییر دین دفعی اساسی می‌داند، تا حدی روشن است که از نظر او تغییر دین تدریجی باید ویژگی‌های اختیاری بودن، انتخاب عقلانی و فعال بودن نوکیش را داشته باشد.

اکنون پرسش این است که تغییر دین آگوستین به مسیحیت کدام یک از دو نوع دفعی و تدریجی بوده است؟ در حالی که برخی به صراحت، و به ظاهر به اشتباه، تغییر دین وی را دفعی و اتفاقی دانسته‌اند،^۳ سکوت ویلیام جمیز در این مورد کمی عجیب به نظر می‌رسد؛ چرا که او درباره بسیاری از نوکیش‌ها و نوع تغییر دین آنها سخن گفته است. البته با توجه به این که برای جمیز تجربه‌های احساسی و یا شنیدن صدا، دیدن نور و ... از ویژگی‌های تغییر دین دفعی است، به طور ضمنی می‌توان فهمید که از دید او تغییر دین آگوستین، به خاطر در برداشتن عنصر شنیدن صدا، باید دفعی بوده باشد. با این همه، جمیز درباره نوع تغییر دین آگوستین صحبت آشکاری ندارد. در نوشته‌های فارسی نیز آنهایی که به آگوستین پرداخته‌اند، به دفعی یا تدریجی بودن تغییر دین وی اشاره‌ای نکرده‌اند.

هدف پژوهش حاضر، ارائه پاسخی روشن به موضوع فوق، و نیز پر کردن خلأ آن در زبان فارسی است. این پژوهش نشان خواهد داد که هرچند در تغییر دین آگوستین به مسیحیت، عنصر شنیدن صدا وجود دارد، در عین حال، این تغییر یک روند^۴ بوده است تا حادثه،^۵ و فرآیند بودن آن به این معنا است که عواملی به ترتیب دست به دست هم داده‌اند تا این موضوع به سرانجام رسد. هر چند که به احتمال زیاد، ممکن است که ترتیب این عوامل و چگونگی آنها، با ترتیب و چگونگی موارد دیگری از تغییر دین یکسان نباشد. در این راستا، چند نکته روش‌شناختی شایان توجه است. نخست آن که منبع اصلی ما در مورد

1. James, William, *The Variety of Religious Experience: An Study in Human Nature*, New York, 1963, p.241.

2. Idem, p.228.

3. Kriebel, Oscar S., p.94; Romanes, George J., p.173.

4. process

5. event

آگوستین، گفته‌های خود او در کتاب *اعترافات* است. افزون بر آن، چهارچوب نظری مورد توجه برای این تحقیق، بسیار مدیون چهارچوب کتاب لوئیس رمبو با نام *شناخت پدیده تغییر دین*^۱ است. بر خلاف نظریه پردازانی که معتقد بودند مهم‌ترین ویژگی تغییر دین، دفعی بودن آن است،^۲ در کتاب مذکور، رمبو بیان می‌کند که فهم پدیده تغییر دین بر اساس مدل مرحله‌ای^۳ امکان‌پذیر است. بر این اساس، از نظر وی تغییر دین، فرآیند تحول در طول زمان به شمار می‌آید و به طور کلی، ارائه دهنده توالی فرآیندها است.^۴ این مراحل برای رمبو عبارتند از: زمینه، بحران، جستجو، مواجهه، تعامل، تعهد، اثرات و نتایج، که در هر یک از آنها جزء یا دوره‌ای خاص در خلال فرایند تغییر دین به شمار می‌آید. مقاله حاضر بر آن است که براساس چهارچوبی که کتاب فوق برای بررسی روند تغییر دین به طور کلی به دست می‌دهد، نوع تغییر دین آگوستین، یعنی تدریجی بودنش را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

رویکرد این تحقیق، توصیفی است. در بحث از تغییر دین آگوستین، رویکرد توصیفی، عوامل و مراحل مرتبط با آن را بدون توجه به الهیات مسیحی مورد بررسی قرار می‌دهد. در آخر، این نکته حائز اهمیت است که تحقیق حاضر به دنبال تفصیل و جزئیات تغییر دین آگوستین نیست، زیرا بررسی چنین امری خود نیازمند نگارش یک کتاب است. بنابراین، تحقیق کنونی تا جایی پیش رفته که فرآیندی و تدریجی بودن تغییر دین وی را نشان دهد.

زندگی آگوستین در یک نگاه کلی

اورلیوس آگوستین^۵ به تاریخ ۱۳ نوامبر ۳۵۴م در تاگاسته^۶، شهر کوچکی در افریقای شمالی شمالی و منطقه‌ای در الجزایر کنونی به دنیا آمد.^۷ پدرش پاتریکیوس^۸ فردی بت‌پرست، و

-
1. *Understanding Religious Conversion*
 2. Starbuck, Edwin D., pp.21, 354; Jackson, George, pp.101-2.
 3. stage model
 4. Rambo, Lewis R., *Understanding...*, p.16.
 5. Aurelius Augustinus
 6. Thagaste
 7. Carr, Simontta, *Augustine of Hippo*, Michigan, 2009, pp.7-8.
 8. Patricius

مادرش مونیکا،^۱ یک زن مسیحی بود.^۲ آگوستین تحصیلات اولیه را در زادگاه خویش آغاز کرد و سپس برای آموختن ادبیات و فن سخنوری به مادورا^۳ و کارتاژ^۴ (۳۷۱-۳۷۴م) فرستاده شد.^۵ وی که در کودکی از تربیتی مسیحی برخوردار شده بود،^۶ به زودی زندگی غیر اخلاقی و لگام گسیخته‌ای را در پیش گرفت،^۷ و در ۳۷۲م صاحب فرزندی به نام آدئوداتوس^۸ شد که نامشروع بود.^۹ وی در نوزده سالگی (۳۷۳م) به سبب مطالعه کتاب سیسرون^{۱۰} موسوم به هورتنسیوس^{۱۱}، که جزئی از برنامه درسی‌اش بود،^{۱۲} در جستجوی حقیقت اصیل برآمد و به مطالعه سراسری کتاب مقدس پرداخت، اما از آن بهره‌ای نبرد و در قیاس با کتب فلسفی و شیوه بیان سیسرون آن را بی‌اهمیت یافت.^{۱۳} لیکن نگاه‌های فلسفی وی چندان دوام نیاورد^{۱۴} و به زودی به مانویت گروید.^{۱۵} تحت تأثیر آشنایی با شیوه شکاکان آکادمی و نظریات برخی فیلسوفان در سال ۳۸۲م مانویت را به یک سو نهاد^{۱۶} و در

1. Monica

2. Smith Warren, Thomas, "Augustine of Hippo", *Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade(ed.), New York, 1987, vol.1, p.520.

3. Madaura

4. Carthage

۵. آگوستین، اورلیوس، *اعترافات*، ترجمه سایه میثمی، تهران، ۱۳۸۰ش، ۲: ۳، ص ۷۹ (در ارجاع به *اعترافات* آگوستین عدد اول (در اینجا ۲) شماره دفتر، و عدد دوم (در اینجا ۳) شماره فقره دفتر است).

۶. اسمارت، نینیان، *تجربه دینی بشر*، ج. دوم، ترجمه محمد محمد رضایی و ابوالفضل محمودی، تهران، ۱۳۸۳ش، ص ۱۳۹.

۷. نک: آگوستین، ۲: ۳-۲، صص ۷۶-۸۲؛ نیز:

Starnes, Colin, *Augustine's Conversion: A Guide to the Argument of Confessions I-IX*, Waterloo, 1990, pp.33-34.

8. Adeodatus

۹. نک: آگوستین، ۹: ۶، ص ۲۷۱.

10. Cicero

11. *Hortensius*

12. Knowles, David, *Introduction to Augustine: Concerning The City of God Against the Pagans*, David Knowles(ed.), London, 1972, p.x.

۱۳. آگوستین، صص ۹۷-۱۰۰.

14. O'Meara, John J., *The Young Augustine: The Growth of St. Augustine's Mind up to His Conversion*, London, 1954, p.58.

۱۵. نک: آگوستین، ۳: ۱۲، ص ۱۱۱.

۱۶. نک: همو، ۵: ۱۴، ص ۱۶۳.

روم (۳۸۳م) و میلان (۳۸۴م) به آموزگاری فن بلاغت و سخنوری پرداخت.^۱ سپس تحت تأثیر اندیشه‌های نوافلاطونی قرار گرفت و آن را پذیرفت.^۲ طولی نکشید که در میلان و تحت تأثیر اسقف آمبروز^۳ - از پدران کلیسا و اسقف میلان در قرن چهارم میلادی - اصول و مبانی دین مسیح را از نظر عقلی قانع کننده یافت، لیکن به دنبال چیزی بود تا این دین را از درون و با اراده بپذیرد.^۴ این کار را همان تجربه معروف شنیدن صدای کودک برای وی انجام داد (۳۸۶م). سپس در سال ۳۸۶م آموزش فن سخنوری را رها کرد^۵ و چندی همراه با دوستان و پسر خود در حومه میلان به تأمل پرداخت،^۶ و در نهایت در سال ۳۸۷م به دست اسقف مزبور تعمید یافت.^۷ سپس به افریقا بازگشت^۸ و از سال ۳۸۸م تا پایان عمر همان‌جا ماند. در سال ۳۹۱م والرئوس^۹، اسقف سالخورده شهر هیپو^{۱۰}، او را به سلک مقامات روحانی کلیسا درآورد و با مرگ وی، در سال ۳۹۵م آگوستین به مقام اسقفی رسید،^{۱۱} و تا پایان عمر، یعنی تا ۴۳۰م در آن سمت باقی ماند.

اکنون به بیان عواملی می‌پردازیم که به ترتیب تغییر دین آگوستین را به شکل یک روند نمایان می‌کنند. شروع آن زمینه‌ای بود که شکل دهنده بن‌مایه‌های اندیشه وی بود.

زمینه

زمینه عبارت از محیط پویایی است که نوکیش در آن زندگی می‌کند. از نظر رمبو، زمینه تغییر دین چارچوبی کلی است که در آن نیروهای درونی و بیرونی، مشتمل بر نیروی افراد،

۱. نک: همو، ۵: ۱۲-۱۳، صص ۱۶۰-۱۶۲.

۲. آگوستین، ۷: ۹، ص ۲۱۲.

3. Ambrose

۴. آگوستین، ۸: ۱، صص ۲۳۱-۲۳۳.

۵. همو، ۹: ۵، ص ۲۷۱.

۶. همو، ۹: ۶، صص ۲۷۱-۲۷۲.

۷. نک: اسمارت، نینیان، ج ۲، ص ۲۷۱.

۸. آگوستین، ۹: ۸، ص ۲۷۴.

9. Valerius

10. Hippo

11. Smith Warren, Thomas, p.522.

حوادث، تجارب، نهادها و غیره بر تغییر دین اثر می‌گذارد.^۱ در مورد آگوستین نیز مجموعه‌ای از عوامل بیرونی و درونی دارای اهمیت است. درباره عوامل بیرونی تغییر دین آگوستین به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

۱. سیاست دینی: تاریخ روم در سه قرن نخست میلادی، در حقیقت تاریخ نفوذ صلح‌آمیز شرق در غرب است،^۲ زیرا ادیان شرقی مانند میترائی، مانویت و مسیحیت به شیوه‌های مختلف به این سرزمین راه پیدا کردند. افزون بر این، در دوره آگوستین امپراطوری روم از یک تعقیب‌کننده مسیحیت، به حامی و واسطه آن تبدیل می‌شد.^۳ امپراطور کنستانتین^۴ که در سال ۳۲۳م فرمانروای واحد روم شده بود، سابقه اعطای آزادی مذهب را به تمام اتباع رومی در پرونده خود داشت. در حالی که بعد از دوره عیسی، مسیحیان به شدت از سوی امپراطوری روم تحت تعقیب و شکنجه بودند،^۵ کنستانتین به محض به قدرت رسیدن، همه توان خود را در جهت تقویت و نیرومندی کلیسای مسیحی به کار گرفت و پس از او کار تا جایی پیش رفت که جانشینانش در سال ۳۸۳م آن را دین رسمی دولت روم اعلام کردند. در مقابل، دین دیگری مانند مانویت از همان زمان ورود به جزیره‌های کوتاه مورد سرکوب امپراطوران روم قرار داشت.^۶ بنابراین، عصر آگوستین کاملاً موافق گسترش و تبلیغ مسیحیت و طرد دیگر ادیان، به ویژه مانویت بود. از این نظر، بالاترین احتمال برای تغییر دین او مسیحیت بود. چنان که آگوستین هم بعد از تغییر دین‌های متعدد، در نهایت جامعه مسیحیت را به تن پوشید.

۲. امکانات و انگیزه‌های اقتصادی برای مسافرت: گاه در تغییر دین عواملی وجود دارد که گرچه دیده نمی‌شوند، اما اهمیت آنها اگر از مابقی بیشتر نباشد، کمتر نیست. در حقیقت بخشی از آنچه آگوستین را به سوی مسیحیت سوق می‌داد، وجود اسباب مسافرت، اعم از وسیله و هزینه بود. او توانسته بود به واسطه کشتی از آفریقا به روم بیاید و در روم هم با هزینه خزانه عمومی توانست به میلان سفر کند، جایی که با اسقف آمبروز، که در

1. Rambo, Lewis R., *Understanding . . .*, p.20

۲. بهار، مهرداد، *ادیان آسیایی*، تهران، ۱۳۷۵ ش، ص ۲۲۴.

3. Knowles, David, p.vii.

4. Constantine

5. Carr, Simontta, p.9.

۶. نک: دکره، فرانسوا، *مانی و سنت مانوی*، ترجمه عباس باقری، تهران، ۱۳۸۳ش، صص ۱۶۶-۱۷۲.

گروش او به مسیحیت تأثیر به سزایی داشت، دیدار کرد.^۱ افزون بر این، اساساً در سفر آگوستین به روم و سپس به میلان برای به دست آوردن جایگاه استادی ادبیات و سخنوری آن شهر، اندیشه کسب درآمد تأثیر زیادی داشت.^۲ به بیان دیگر، اگر چنین امکانات و نیز انگیزه‌های اقتصادی برای سفر مطرح نبود، و سرانجام، اگر چنین مسافرت‌هایی انجام نمی‌شد، انتظار رخ دادن چنین تحولی برای آگوستین احتمالاً دور از انتظار بود.

۳. زمینه خانوادگی: این عامل نیز اثر زیادی بر تجربه مسیحی شدن وی داشت. در حالی که غیر از پدر وی، دیگر افراد و اهل خانه او همگی مسیحی بودند،^۳ به نظر می‌رسد که میان پدر و مادر وی بر سر دین درست رقابتی در کار بود.^۴ این مسأله اهمیت بسیار داشت، زیرا وجود دین‌های متفاوت در محدوده کوچکی مانند خانواده، به معنای امکان وجود نگرش‌های مختلف به انسان، جهان و خدا است و عدم وجود دینی ثابت و ایستا در هر خانواده، موجب آن می‌شود که انسان توان تعریف خود را از دست بدهد و با استفاده از ادبیات لیفتون،^۵ «انسان بی‌ثبات»^۶ شود. در عین حال و در جای خود، نمی‌توان نقش خانواده خانواده را نیز در نجات انسان از این بحران نادیده گرفت.^۷ شاید دغدغه مونیکا، مادر آگوستین، درباره دین وی بیش از هر کس دیگری بود، چندان که زمانی که آگوستین مانوی شده بود، مونیکا وی را به خانه راه نمی‌داد.^۸ او با حال گریان از خداوند درخواست می‌کرد که راه تاریک فرزندش را روشن کند و البته به عقیده آگوستین، به عاقبت کار هم خوشبین بود، زیرا پسرش آگوستین را خطاب قرار داده و گفته بود: سوگند به عیسی که پیش از وداع با این دار فانی، تو را یک مؤمن کاتولیک خواهم دید.^۹ افزون بر این، به اعتراف خود آگوستین، عوامل مسیحی در دوران کودکی از طریق مونیکا در روح وی جای

۱. نک: آگوستین، ۵: ۱۳، ص ۱۶۱.

۲. نک: آگوستین، ۵: ۸، ص ۱۵۳؛ ۵: ۱۲، ص ۱۶۰؛ ۹: ۲، ص ۲۶۳؛ قس. با ۶: ۶، ص ۱۷۷.

۳. همو، ۱: ۱۱، ص ۶۱.

۴. همان.

5. Robert Jay Lifton

6. quoted from: Rambo, Lewis R., *Understanding . . .*, p.31.

7. Pond, Enoch, pp.37-38.

8. Brown, Peter, *Augustin of Hippo: A Biography*, Berkeley, 1967, p.520.

۹. آگوستین، ۶: ۱، ص ۱۷۰.

گرفته بود، زیرا از نظر او مادرش با نام عیسی مسیح به او شیر می‌داد.^۱ بنابراین، ممکن است است زمینه خانوادگی باعث سردرگمی فرد شود، اما از سوی دیگر نقش آن را در نجات انسان از این بحران نیز نمی‌توان نادیده گرفت. آگوستین نیز در نهایت به مسیحیت، یعنی دین مادری‌اش گروید.

در بررسی زمینه تغییر دین آگوستین صرفاً نباید بر عوامل خارجی تأکید کرد، بلکه پرداختن به زمینه‌های درونی، از جمله تجارب شخصی وی نیز ضروری است، زیرا گاه این گونه تجربه‌ها انسان را به جستجوی معنای جدید و می‌دارد. در تأیید این گفته می‌توان از *اعترافات* آگوستین استفاده کرد. وی دوستی داشت که ماجرای دوستی میان آن دو و مرگ دوستش، ناخودآگاه ماجرای گیلگمش^۲ و دوستش انکیدو^۳ در اسطوره‌های بین‌النهرینی^۴ را به خاطر می‌آورد. همان‌گونه که پس از مرگ انکیدو، گیلگمش مصمم به فهم مرگ و گریز از آن شد، مرگ دوست آگوستین نیز باعث شد تا آگوستین به دنبال معنای حقیقی مرگ برآید و از تاگاسته (الجزایر کنونی) رهسپار کارتاژ (تونس کنونی) شود.^۵ بنابراین، تجربه‌های شخصی می‌تواند محرک انسان برای جستجو یا پذیرش معنای جدید باشد. اگر این تجربه درونی را با عوامل زمینه‌ای بیرونی بالا جمع کنیم، نتیجه روشن است: آگوستین جستجوی خود برای فهم معنای مرگ و یا هر دغدغه دیگری را در نهایت متوجه شایع‌ترین امکانات معنایی موجود، یعنی دین مسیحیت نمود. اوج این تجربه‌های شخصی - درونی و نتایج آن برای آگوستین، شنیدن صدای کودک بود، که در هنگام پرداختن به موضوع تعهد بدان اشاره خواهد شد.

۱. همو، ۳: ۴، ص ۹۹.

2. Gilgamesh

3. Enkidu

۴. نک: اباذری، یوسف و دیگران، *ادیان جهان باستان*، (مصر و بین‌النهرین)، تهران، ۱۳۷۲ش، ج ۲،

صص ۳۱۰-۳۲۰.

۵. آگوستین، ۴: ۷، ص ۱۲۴.

بحران

از نظر رمبو، بحران عبارت از احساس مغایرت و ناسازگاری میان برخی اوضاع واقعی و شرایط ذهنی است. در حقیقت در حالت بحران، نمادها، اسطوره‌ها و معیارهای مألوف برای انسان از کار باز می‌ایستد.^۱ از مهم‌ترین دغدغه‌های آگوستین و آنچه برای او باعث احساس مغایرت میان اوضاع واقعی و شرایط ذهنی‌اش و در نتیجه بحران می‌شد، تبیین وجود شر در عالم بود. او با خود در این باره کلنجار می‌رفت که «ریشه شر در کجا است؟ خاستگاهش کدام است؟ و شر چگونه به درون عالم خزید؟»^۲ در ابتدا نگرش و توجیه مانویت در این زمینه برای آگوستین جذابیت پیدا کرد و آن را پذیرفت. بنابراین نگرش، جهان مادی از ظلمت به وجود آمده بود، اما روح انسان محصول نور بود. بنابراین، مانویت که در تبیین شر معتقد به ثنویت میان نور و ظلمت بود و ظلمت را با شر و ماده یکی می‌دانست،^۳ برای آگوستین مقبولیت یافت، لیکن به این نتیجه رسید که مانویت به همان میزان که پاسخ سؤالات بسیاری را می‌دهد، سؤالات پاسخ‌ناپذیر دیگری را مطرح می‌سازد، از جمله محدود شدن خدا در مانویت با اعتقاد به اصل شری که مادی، مستقل و ازلی بود.^۴ هم‌چنین، در حالی که این نظریه منشأ شر را بدین گونه در جهان تبیین و تشریح می‌کرد، در عین حال آن را وسیله‌ای برای توجیه مسئولیت‌پذیر نبودن انسان در برابر اعمال شریرانه، یعنی گناه می‌دانست.^۵ از آنجا که مانویت نتوانست بحران معنای آگوستین را حل کند و او را در زمینه زمینة وجود شر قانع سازد، وی خود را پر از «تشویش و نگرانی» می‌دید،^۶ و گاهی به اتفاق اتفاق برخی دوستان خود، در یافتن طریقی برای رسیدن به حقیقت حیران بود.^۷ در نهایت،

1. Rambo, Lewis R., "Conversion", p.75.

۲. آگوستین، ۷: ۵، ص ۲۰۵.

۳. اسمارت، نینیان، ج ۲، ص ۱۳۶.

۴. نک: آگوستین، ۵: ۲، ص ۱۴۴.

۵. لین، تونی، تاریخ تفکر مسیحی، ترجمه روبرت آسریان، تهران، ۱۳۸۶ش، ص ۸۰.

۶. نک: آگوستین، ۶: ۶، ص ۱۷۸.

۷. همو، ۶: ۱۰، ص ۱۸۶.

آگوستین برای بیرون آمدن از این حالت با مرور نظریات گوناگون تصمیم به ترک مانویت گرفت.^۱

به هر روی، یافتن راه حل بحران برای آگوستین بسیار مهم بود، چندان که به خاطر عدم دسترسی به راه حلی روشن، گاه بحران وی به مرز «جنون» می‌رسید.^۲ او گاه حالت خود را این گونه توصیف می‌کند: «موهای خود را می‌کندم و با مشت بر پیشانی می‌کوفتم».^۳ کوفتم».^۴ گاه با لحنی نزدیک به مولانا در نی‌نامهٔ مثنوی صحبت می‌کند. او که نمی‌تواند دردهای خود را حتی برای دوستان نزدیکش بازگو کند، هم‌چون مولانا می‌نویسد: «آیا نفیر درد و رنج درونم به گوش آنان می‌رسید؟»^۵ وی حتی در مورد حل بحران از طریق پذیرفتن پذیرفتن مسیحیت نیز در تردید بود. او می‌دانست که در صورت قبول آن، باید از امور و لذات دنیوی خود دست بکشد. از این رو، حتی زمانی که به حقانیت عقلانی مسیحیت پی برد، هم‌چنان در گرفتن تصمیم نهایی شک و تردید داشت.^۶

جستجو

در موارد بحران جدی، برخی اشخاص به طور فعال به دنبال منابعی می‌گردند تا هر چه بیشتر خلأ معنایی خود را پر کنند و مشکلات را حل سازند. در نتیجه، آن گونه که رمبو معتقد است، می‌توان شخصی را که واکنش فعالی نسبت به تغییر دین دارد، از کسی که نسبت به آن منفعل است، تفکیک کرد.^۱ آگوستین از نوکیشانی بود که در تغییر دین خود از عوامل فعال به حساب می‌آید.

وی که از سن نوزده سالگی جستجوی حقیقت را آغاز کرده بود و قریب به بیش از

۱. نک: همو، ۵: ۱۴، ص ۱۶۳.

۲. همو، ۶: ۴، ص ۱۷۵؛ نیز نک:

Harrison, Carol, "Augustine", *The Early Christian World*, Philip F. Esler(ed.), London, 2000, vol.2, p.1209.

۳. آگوستین، ۸: ۸، صص ۲۴۷-۲۴۸.

۴. همو، ۷: ۷، ص ۲۱۰.

۵. همو، ۸: ۸، صص ۲۴۶-۲۴۸.

6. Rambo, Lewis R., *Understanding . . .*, p.56.

یک دهه به دنبال آن گشت،^۱ هنگام پیروی از راه‌های مختلف، تنها به این دل خوش بود که حقیقت در آن طریقه‌ها نهفته است. هرچند بعدها به اشتباه خود پی برد: «[خدایا] تو را بیرون از خود می‌جستم و خدایی که در دل من خانه دارد نمی‌یافتم.»^۲ جستجوی حقیقت و شوق رسیدن به آن، تمام وجودش را فرا گرفته و آن را از عمق جاننش تمنا می‌کرد.^۳ همین جستجو بود که روح پریشانش را آرام نمی‌گذارد و پیوسته هر کجا نام و نشانی از حقیقت می‌شنوید، به سویش می‌شتافت و به آن می‌گروید.

بنابراین، گروش او به معنای سرسپردگی نبود، بلکه به آن امید بود که در آن طریقه و یا تفکر جواب سؤالاتش را بیابد. در نتیجه، برای نمونه چون دیدگاه‌های مانوی با معیارهای ذهنی‌اش مغایرت داشت، جنبش اندیشه‌اش او را از قبول آن بازداشت و به سوی دیگری کشاند.^۴ با این حال، گاهی از سر ناچاری و پیدا کردن راه بهتر و قانع کننده‌تر، به دینی مانند مانند مانویت که برای او قانع کننده نبود، بسنده کرد.^۵

گاه آن‌قدر در جستجوی خویش غرق بود که از فرط آن بیمار می‌شد، چنان که چندی قبل از دریافتن مسیحیت، برای یافتن حقیقت چنان سخت به مطالعه پرداخته بود که در نتیجه آن ریه‌هایش دچار مشکل شده و تا حدی نیز از بیماری‌اش ترسیده بود.^۶ در وهله بعد، روح جستجوگر آگوستین با حضور مبلغ و حامی بود که توانست در مسیر تغییر دین به مسیحیت جلو برود.

۱. آگوستین، ۶: ۱۱، ص ۱۸۶.

۲. همو، ۱، ص ۱۶۹؛ نیز نک:

Watts, William, *St. Augustine's Confessions*, Cambridge, Mass, vol.1, 1950, p.115.

۳. نک: آگوستین، ۳: ۴، صص ۹۸-۹۹؛ ۶: ۴، ص ۱۷۴.

۴. نک: آگوستین، ۶: ۴، صص ۱۷۴-۱۷۵.

۵. همو، ۵: ۱۰، ص ۱۵۸.

۶. همو، ۹: ۲، ص ۲۶۳.

مبلغ

برخورد آگوستین با قدیس آمبروز، واقعه‌ای شگرف در جریان مسیحی شدن آگوستین بود.^۱ برخورد میان مبلغ - کسی که وظیفه تبلیغ دین خود را در برابر دیگر بینش‌های دینی و غیر دینی دارد - و نوکیش احتمالی حادثه مهمی است. چنان که رمبو می‌نویسد، این مواجهه فرایندی جذاب، در عین حال دشوار و پویا است.^۲ در مورد آگوستین، آمبروز وظیفه تبلیغ مسیحیت را نداشت، اما به طور ناخواسته وظایف و اعمال مبلغ را برای او اجرا کرد. تأثیر آمبروز بر آگوستین بیش از هر چیز، از طریق مواعظ او بود. البته بنا به گفته آگوستین در دفتر ششم *اعترافات*، وی از ابتدا به قصد یافتن حقیقت به مواعظ آمبروز گوش نمی‌سپرد، بلکه صرفاً می‌خواست شیوه سخنوری او را ارزیابی کند. در هر صورت، آگوستین که تصور درستی در مورد کتاب *مقدس*، و به ویژه عهد عتیق نداشت، به محض شنیدن مواعظ آمبروز در مورد عهد عتیق و تفسیر آن توسط او، به دیدگاه تازه‌ای رسید.^۳

از کسان دیگری که در تغییر دین آگوستین نقش مبلغ را ایفا کرد، می‌توان از سیمپلیسیانوس^۴، اسقف وقت میلان پس از آمبروز، نام برد که به واسطه ارتباط مستقیم با او، آگوستین توانست با دیگرانی که به مسیحیت گرویده بودند، به طور غیرمستقیم ارتباط برقرار کند. در حقیقت، کار سیمپلیسیانوس که نمونه آن در قسمت بعدی می‌آید، باعث تعامل غیرمستقیم آگوستین با نوکیش‌های مسیحی شد.

تعامل

از نظر رمبو، برخی نوکیشان احتمالی پس از مواجهه با مبلغ، روابط خود را با گزینه دینی جدید ادامه می‌دهند و در مورد تعالیم، شیوه زندگی و انتظاراتشان از گروه، بیشتر می‌آموزند.^۵ چنان که به اختصار گفته شد، آگوستین توانست غیر از ارتباط مستقیم با آمبروز و سیمپلیسیانوس، به طور غیرمستقیم با کسان دیگری نیز تعاملی هرچند یک‌سویه برقرار

1. Brown, Peter, p.521.

2. Rambo, Lewis R., *Understanding . . .*, p.66.

۳. نک: آگوستین، ۵: ۱۴، صص ۱۶۲-۱۶۳.

4. Simplicianus

5. Rambo, Lewis R., *Understanding . . .*, p.102.

سازد. افرادی که توانستند با سرگذشت خود تأثیر آشکاری بر مسیحی شدن آگوستین بگذارند. برای نمونه، سیمپلیسیانوس ماجرای شخصی به نام ویکتورینوس^۱ را برای وی بیان کرد که کتاب‌های افلاطونیان را به زبان لاتین ترجمه کرده و آگوستین هم آنها را خوانده بود. بنا به گفته سیمپلیسیانوس، ویکتورینوس کتاب‌های فلسفی بسیاری را خوانده و بر آنها نقد نوشته بود. هم‌چنین بسیاری از اعضای برجسته سنا از شاگردان او بودند. موقعیت او آن قدر ممتاز بود که در میدان اصلی روم مجسمه‌ای از او برپا شده بود. در عین حال، او بت می‌پرستید و در آیین‌های کفرآمیز بزرگان وقت روم شرکت می‌کرد، تا این که در اواخر عمر «در حوضچه غسل تعمید به نوزادی بدل شد» و در چشم مردم، بر ایمان به عیسی مسیح شهادت داد.^۲ نتیجه شنیدن این داستان توسط آگوستین، این بیان او بود: «اراده‌ای تازه در من سر برآورده بود و مرا طالب می‌ساخت که با طیب خاطر تو را بندگی کنم و از تو که تنها لذت حقیقی هستی، بهره‌مند گردم».^۳ اگر شنیدن داستان کسانی که تحول یافته و مسیحی شده بودند در روی‌آوری آگوستین به مسیحیت اثربخش بود و سرعت فرآیند تغییر دینش را افزایش می‌داد، مسیحی شدن دوستان خود او هم‌چون نبریدیوس^۴ و آلیپیوس^۵ که با آنها تعامل مستقیمی داشت، جای بحثی نمی‌گذارد.^۶

دلیل اهمیت این گونه روابط پیش از گروه، آن است که آگوستین با این برخوردها به طور کامل با شیوه‌های زندگی مسیحی و باورهای آنها آشنایی کامل پیدا کرد و تمایل بیشتری یافت تا اعتبار آن باورها را بسنجد و حقیقت آنها را مورد کند و کاو قرار دهد. بنابراین، تعامل و ارتباط با مسیحیان اطراف خود و نیز با شخصیت فرهمند و مبلغ‌گونه قدیس آمبروز، همگی در گروه آگوستین به مسیحیت اثربخش بودند. می‌توان گفت که اهمیت این گونه تعاملات - در کنار عوامل دیگر- تا بدان حد بود که اگر وی با این اشخاص رابطه‌ای نداشت، شاید هیچ‌گاه مسیحی نمی‌شد.

1. Victorinus

۲. آگوستین، ۸: ۲، ص ۲۳۴.

۳. آگوستین، ۸: ۵، ص ۲۳۹.

4. Nebridius

5. Alypius

۶. آگوستین، ۹: صص ۳-۷.

تعهد

بخش عمده مرحله تعهد، تصمیم‌گیری است و از این جهت، می‌توان آن را با مرحله بحران مقایسه و بررسی کرد، زیرا موقعیتی است که فرد در آن مواجهه عمیق و دشواری با خود دارد و مستلزم از سر گذراندن بحران‌های روحی چندی است.^۱ برای آگوستین تصمیم‌گیری نهایی بسیار دشوار بود. از یک سو، وی با کمک موعظه‌های امبروز توانسته بود از لحاظ عقلانی به حقانیت مسیحیت پی ببرد و از سوی دیگر، می‌دانست که اگر به جرگه مسیحیان بپیوندد، باید به تمامی امیال جسمانی خود پشت پا بزند. بنابراین، از آنجا که تعلق خاطر بسیاری به تمایلات دنیوی داشت، این امر برایش بسیار دشوار می‌نمود. علقه‌ها و وابستگی‌های قدیم و به قول خودش «نفس دانی» دائم در گوش آگوستین نجوا می‌کردند که «قصد ترک ما را در سر داری؟»^۲ با این همه، چنان که او خاطر نشان می‌سازد، به اصطلاح «عفت» وی به او می‌گفت: «به نجوای ناپاک تن گوش مسپار تا از میان برخیزد. او از آن چیزها سخن می‌گوید که تو را سرخوش می‌دارند».^۳ از این جهت، آگوستین میان دو دنیای متفاوت و کاملاً مخالف، که هر کدام وی را به سوی خود می‌کشانید، دست و پا می‌زد.

در نهایت، آگوستین که از مهلت خواستن و «فردا، فردا» گفتن خسته بود،^۴ خود را در حالی که بر زمین افتاده بود این چنین مورد خطاب و عتاب قرار داد: «چرا الان نه؟ چرا در همین لحظه به گناهان کریه خود پایان ندهم؟» در همین حال، از خانه مجاور صدای کودکی (که معلوم نیست پسر یا دختر بود) را می‌شنود که به تکرار می‌گفت: «برگبر و بخوان». وی بلافاصله به یاد آنتونی^۵، یکی از راهبان مصری افتاد که داستان تغییر دین او را به مسیحیت شنید بود. براساس آن روایت، آنتونی یک بار به طور اتفاقی وارد کلیسا شد و این عبارت/انجیل را شنید: «به خانه برو و هر آنچه را که به تو تعلق دارد بفروش. آنها را به فقیران انفاق کن تا گنجی در آسمان‌ها نصیب تو گردد؛ سپس بازگرد و مرا پیروی کن».^۶

1. See: Rambo, Lewis R., *Understanding . . .*, p.125.

۲. آگوستین، ۸: ۱۱، ص ۲۵۲.

۳. همان.

۴. نک: همو، ۸: ۵، ص ۲۴۱.

5. Anthony

۶. متی، ۱۶: ۲۱.

آنتونی این کلام را الهامی از جانب خدا تلقی کرد و به مسیحیت گروید. به پیروی از آنتونی، آگوستین در نهایت صدای کودک را فرمان الهی به شمار آورد که به خواندن کتاب مقدس دستور می‌دهد. سپس با خواندن اولین عباراتی از کتاب مقدس که در برابر چشم او قرار گرفت، به قول خودش، تاریکی شک از ذهن او محو و نابود شد.^۱

تسلیم و سرسپاری آگوستین به مسیحیت که مرحلهٔ تعهد را شکل می‌دهد، برای وی مرحلهٔ دشواری بود. در واقع، اندیشهٔ آگوستین، اندیشه‌ای که روزی مسیحیت را غیر معقول می‌پنداشت و از ابتدای زندگی‌اش وی را به هر سویی کشیده بود، تسلیم و سرسپردهٔ مسیحیت شد. چنان که دیده شد، این تصمیم صرفاً فرآیندی درونی نبود، بلکه تعامل اجتماعی و اطرافیان نیز بسیار بر آن اثر داشت. اکنون پرسش این است: تصمیمی که وی گرفت، چقدر بر خود او و نیز جامعه اثرگذار بود؟

اثرات

رمبو بر این باور است که روند تغییر دین متوقف نمی‌شود و این عدم توقف از اثرات آن پیدا است.^۲ در بهترین حالت، هر تغییر دینی با خود دو نوع نتیجهٔ درونی و بیرونی به همراه دارد. نتایج درونی شامل تحول درونی و نتایج بیرونی شامل اثربخشی بر جامعه است.^۳ در باب نتایج درونی، تغییر دین باید به همراه خود آرامش به ارمغان بیاورد و باعث از بین رفتن آشفتگی‌های ذهنی شود.^۴ آگوستین نیز به آنچه از لحاظ درونی در پی آن بود رسید.^۵ رسیدن آرامش درونی که وی با این دین تازه یافت، باعث شد که به اصطلاح به همان «انسان جدید»ی تبدیل شود که مورد نظر پولس بود؛^۶ یا به اصطلاح همان «تولد تازه»ای را یافت که پطرس به آن دعوت می‌کرد.^۷

۱. همو، ۸: ۱۲، صص ۲۵۴-۲۵۵.

2. Rambo, Lewis R., *Understanding . . .*, p.146.

3. cf. *ibid*, pp.146-48.

4. Dwight, Sereno E., *The Life of President Edwards*, New York, 1830, pp.58-62.

۵. نک: آگوستین، ۱: ۱-۲.

۶. افسسیان، ۴: ۲۲-۲۴.

۷. اول پطرس، ۱: ۲۳.

با این تولد تازه، نوکیش به جهان و خود با نگاه جدیدی، متفاوت از قبل می‌نگرد.^۱ برای آگوستین نیز این دنیای جدید بهترین عالم شد، به گونه‌ای که وی بهتر از آن را در سر نداشت.^۲ از این پس، آگوستین شخص دیگری با نگاه‌های نوین شد، چندان که حتی تحمل مرگ فرزندش، آدئوداتوس، برای او چندان مشکل نبود^۳ و توانست در برابر مرگ مادرش نیز تاب بیاورد.^۴ او در پیشگاه خداوند خود را حقیر، و سرشت خود را از خاک و خاکستر می‌دید.^۵ چنان‌که خود می‌گوید، به فهم مقولات زمان و مکان، خلقت آسمان و زمین، ابدیت ابدیت خدا، تثلیث و ... رسید^۶ و در نتیجه، به سعادت حقیقی، یا همان جهان‌بینی پایدار و درستی که هر کس در جستجوی آن است، دست یافت.

درباره تأثیرات بیرونی، به جرأت می‌توان گفت که وی تا قرن سیزدهم میلادی، هنگامی که دیدگاه‌های ارسطو از نو به صحنه آمد، قسمت اعظم اندیشه‌های مسیحیان را تحت‌الشعاع خود قرار داد، چندان که هم کاتولیک‌ها و هم پروتستان‌ها اصول عقاید خود را از آگوستین کسب نموده‌اند.^۷ بنابراین، بی‌جهت نیست که گاهی وی را پس از پولس، دومین بانی دین مسیحیت می‌دانند^۸ و گاه تغییر دین وی را پس از پولس، مهم‌ترین تغییر دین در مسیحیت به شمار می‌آورند.^۹

آگوستین در چند حوزه عمده الهیات مسیحی تأثیرگذار بوده است.^{۱۰} برای نمونه، در حوزه آموزه کلیسا، گروهی از مسیحیان بومی آفریقا در الجزایر به نام دوناتیست‌ها^۱ از نفوذ

1. Dwight, Sereno E., pp.58-62.

۲. آگوستین، ۷: ۱۳، ص ۲۱۷.

۳. همو، ۹: ۶، ص ۲۷۲.

۴. همو، ۹: ۱۲، ص ۲۸۴.

۵. آگوستین، ۱۰: ۵، ص ۲۹۸.

۶. نک: همو، ۱۱: ۱-۳۱، صص ۳۵۳-۳۸۵.

۷. نک: لین، تونی، ص ۸۰؛ براون، کالین، فلسفه و ایمان مسیحی، ترجمه طاطه‌وس میکائیلیان، تهران، ۱۳۷۵ش، ص ۵؛ نیز:

Lavallee, Louis, "Augustine on Creation Days", *Journal of the Evangelical Theological Society*, December 1989, 32/4, p.457.

۸. مک‌گراث، آلیستر، *درسنامه الهیات مسیحی*، ترجمه بهروز حدادی، قم، ۱۳۸۴ش، ص ۴۲.

9. Newman, John Henry, *Conversion of Augustine*, San Francisco, 1908, pp.7-8.

۱۰. نک: مک‌گراث، آلیستر، صص ۶۲-۶۶.

رو به رشد کلیسای رم در شمال آفریقا ناخشنود بودند. آنها معتقد بودند که کلیسا مجموعه-ای از قدیسان است و بنابراین گناهکاران در آن جایی ندارند. این جریان به ماجرای تعقیب و آزار مسیحیان از سوی امپراطور روم دیوکلتیانوس در سال ۳۰۳ م باز می‌گشت که تا حدود یک دهه ادامه یافت. طی این واقعه، که در آن داشتن کتاب مقدس غیر مجاز بود، بعضی از مسیحیان کتاب مقدس خود را به مقامات تحویل دادند. این گروه از افراد، از سوی کسانی که این کار را انجام نداده بودند، طرد شدند. با پایان یافتن دوران تعقیب، بسیاری از این افراد به اصطلاح خائن به کلیسا بازگشتند. دوناتیست‌ها خواستار طرد آنها شدند، زیرا به باور ایشان، آنها خود را بدنام و رسوا ساخته بودند.

آگوستین در این زمینه به گونه دیگری می‌اندیشید. او اعلام کرد که از کلیسا باید انتظار داشت که هم چنان «مجموعه‌ای مرکب» از قدیسان و گناهکاران باشد. از نظر او، اعتبار مراسم و موعظه کلیسا به قداست اجراکنندگان آن نبود، بلکه به شخص عیسی مسیح بستگی داشت و بی‌ارزش بودن شخص اجراکننده، آسیبی به اعتبار کلیسا وارد نمی‌ساخت. این دیدگاه که به سرعت به معیاری در کلیسا تبدیل شد، تأثیر عمیقی بر تفکر مسیحی درباره ماهیت کلیسا و جریان آن گذاشت.^۲

نتیجه

باید در نظر داشت که در گروه آگوستین به مسیحیت، مجموعه‌ای از علل و عوامل نقش داشتند که با ترتیب خود چهارچوب یک فرآیند را ساختند. علل زمینه‌ای بیرونی کلان، همانند محیط دینی اجتماع، و نیز علل زمینه‌ای محدودتر، مانند خانواده، دوستان و اطرافیان، همراه با علل زمینه‌ای درونی مانند تجربیات شخصی و درونی، آگوستین را به سوی مسیحیت سوق می‌داد. با این حال، فرآیند تغییر دین وی در درون زمینه به طور رسمی با بحران آغاز شد. به عبارت دیگر، هر بحران درون زمینه‌ای اتفاق می‌افتد. این بحران برای آگوستین بیش از همه به یافتن خاستگاه شر مربوط می‌شد. از همین روی، وی به طور فعالانه‌ای در جستجوی حقیقت آن برآمد، تا این که پاسخ آن را در مسیحیت یافت. مرحله

1. Donatists

۲. مک‌گراث، آلیستر، ص ۶۲.

بعدی مربوط به نقش مبلغ و حامی بود. امروز با سخنان قانع کننده خود توانست حقانیت کتاب مقدس و در نتیجه مسیحیت را به آگوستین نشان دهد، اما هنوز پذیرش قطعی آن برای آگوستین دشوار بود. تعامل مستقیم و غیرمستقیم با کسانی که به شیوه‌های مختلف مسیحیت را پذیرفته بودند و نیز تجربه شخصی آگوستین، که در آن از دید او فرمان الهی را از دهان کودکی می‌شنید که به او می‌گفت «بردار و بخوان»، موجب شد مسیحیت را بپذیرد. آخرین مرحله تغییر دین آگوستین، به نوبه خود، از یک سو تأثیرهایی بود که این تغییر بر آگوستین گذارد و از سوی دیگر، تأثیرهایی که آگوستین پس از آن بر محیط مسیحی خود داشت. با پذیرش مسیحیت، دغدغه‌های ذهنی آگوستین آرام گرفت و نگاهش به دنیا تغییر یافت. از سوی دیگر، وی توانست با آراء و اندیشه‌های خود بر محیط مسیحی و اعتقادات آن اثرگذار باشد، چندانکه از بزرگ‌ترین و پرنفوذترین متفکران کلیسای مسیحی در سراسر تاریخ طولانی آن شد.

منابع

- آگوستین، اورلیوس، *اعترافات*، ترجمه سایه میثمی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۰ش.
- اباذری، یوسف و دیگران، *ادیان جهان باستان*، تهران، ۱۳۷۲ش.
- اسمارت، نینیان، *تجربه دینی بشر*، ج. دوم، ترجمه محمد محمد رضایی و ابوالفضل محمودی، تهران، ۱۳۸۳ش.
- براون، کالین، *فلسفه و ایمان مسیحی*، ترجمه طاطه‌وس میکائیلیان، تهران، ۱۳۷۵ش.
- بهار، مهرداد، *ادیان آسیایی*، تهران، ۱۳۷۵ش.
- دکره، فرانسوا، *مانی و سنت مانوی*، ترجمه عباس باقری، تهران، ۱۳۸۳ش.
- کتاب مقدس.
- لین، تونی، *تاریخ تفکر مسیحی*، ترجمه روبرت آسریان، تهران، ۱۳۸۶ش.
- مک‌گراث، آلیستر، *درسنامه الهیات مسیحی*، ترجمه بهروز حدادی، قم، ۱۳۸۴ش.
- Armstrong, Herbert W., *Just What Do You Mean ... Conversion?*, USA, 1972.
- Brown, Peter, *Augustine of Hippo: A Biography*, Berkeley, 1967.
- Carr, Simon, *Augustine of Hippo*, Michigan, 2009.
- Dwight, Sereno E., *The Life of President Edwards*, New York, 1830.
- Guttery, Arthur T., *Christian Conversion*, London, 1920.
- Harrison, Carol, "Augustine", *The Early Christian World*, Philip F. Esler(ed.), London, Vol.2, 2000.

- Jackson, George, *The Fact of Conversion*, New York, 1908.
- James, William, *The Variety of Religious Experience: An Study in Human Nature*, New York, 1963.
- Knowles, David, Introduction to *Augustine: Concerning The City of God against the pagans*, David Knowles(ed.), London, 1972.
- Kriebel, Oscar S., *Conversion and Religious Experience*, Pennsburg, 1907.
- Lavalley, Louis, "Augustine on Creation Days", *Journal of the Evangelical Theological Society*, December 1989, 32/4.
- Newman, John Henry, *Conversion of Augustine*, San Francisco, 1908.
- O'Meara, John J., *The Young Augustine: The Growth of St. Augustine's Mind up to His Conversion*, London, 1954.
- Pond, Enoch, *Conversion: Its Nature and Importance*, Boston, 1986.
- Rambo, Lewis R., "Conversion", *The Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade(ed.), New York, 1987.
- Idem, *Understanding Religious Conversion*, New Haven, 1993.
- Idem and Charles E. Farhadian, "Conversion", *Encyclopedia of Religion*, Lindsay Jones (ed.), New York, 2005.
- Romanes, George J., *Thoughts on Religion*, Chicago, 1896.
- Smith Warren, Thomas, "Augustine of Hippo", *The Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade(ed.), New York, 1987.
- Starnes, Colin, *Augustine's Conversion: A Guide to the Argument of Confessions I-IX*, Waterloo, 1990.
- Starbuck, Edwin D., *The Psychology of Religion*, London, 1901.
- Watts, William, *St. Augustine's Confessions*, Cambridge, Mass., 1950.